

صنایع دستی و توسعه فرهنگی

بیژن کیا

مقدمه

در نگاه نخست شاید صنایع دستی را فقط آثاری هنری به حساب آوریم که در پیچ و خم زندگی شهری دیر یا زود محو و ناپدید می‌شود، اما با کمی تأمل می‌توان به نقش فرهنگی این عرصه مهم از هنر و تمدن بشری واقف شد. صنایع دستی در حمایت از هویت فرهنگی نقشی چشمگیر دارد و هویت فرهنگی نیز یکی از ارکان توسعه فرهنگی جوامع بشری به‌شمار می‌رود.

تعریف فرهنگ

فرهنگ مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از دانش‌ها، آگاهی‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، ایستارها و مهارت‌های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است. بدون فرهنگ امکان ادامه زیست جوامع بشری وجود نخواهد داشت.

با نگاهی ساختارمند به جوامع بشری و با توجه به تفاوت‌ها می‌توان تعریف دیگری از فرهنگ به‌دست آورد: فرهنگ مجموع کامل ممیزه‌های روحی، مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند و نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی انسانی، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و اعتقادات نیز می‌شود. نکته جالب توجه آن است که صنایع دستی را می‌توان آینه‌ای برای معرفی و درک شاخصه‌های جوامع بشری در نظر گرفت. به بیانی دیگر نتیجه تلاش اقوامی را که در کشوری با تنوع فرهنگی زندگی می‌کنند می‌توان در آینه‌ای دید به نام هنر و ادبیات و یکی از شفاف‌ترین آینه‌های موجود برای انعکاس فرهنگ یک منطقه مجموعه هنرهای است بومی به نام «صنایع دستی».

تعریف صنایع دستی

صنایع دستی به محصولاتی اطلاق می‌شود که بیشتر توسط دست و با استفاده از مصالح طبیعی و بومی ساخته می‌شود. صنایع دستی هم حالت کارگاهی و هم خانگی و قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد و بدون نیاز به تکنولوژی پیشرفته بیشتر متکی به تخصص‌های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مورد مصرف آن از داخل کشور قابل تهیه و تأمین است. صنایع دستی دارای ویژگی‌های هنری و مصرفی به طور توأمان است و علاوه بر داشتن جنبه‌های مصرفی قوی، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولیدکننده نیز هست و در مجموع می‌توان آن را یک هنر - صنعت نامید.

نقش صنایع دستی در توسعه فرهنگی کشور

یکی از مهم‌ترین کاربردهای فرهنگی صنایع دستی بحث هویت‌شناسی است. برای صنایع دستی در کشورمان می‌توان نقش‌ها و کارکردهای زیر را قایل شد:

۱- صنایع دستی به‌عنوان نماد ملی و بومی

۲- عامل توسعه گردشگری

۳- عامل مبادلات فرهنگی

۴- نقش فرهنگ‌شناسی و قوم‌نگاری از طریق تمرکز بر مشخصه‌های موجود در صنایع دستی که ویژگی‌های اقوام و جوامع تولیدکننده را نشان می‌دهند

صنایع دستی، هویت ملی و توسعه فرهنگی

فرهنگ در هر منطقه‌ای و به‌ویژه در کشورهایی که مانند ایران از خرده فرهنگ‌های مختلف تشکیل

شده‌اند ناشی از همکاری و همدلی اقوام آن

سرزمین است. بنابراین تعریف، توسعه و

حفظ فرآورده‌های فرهنگی منطقه‌ای

و ملی ضرورت تام دارد، چرا که

فرآورده‌های فرهنگی مطمئن

ترین ضامن توسعه مستقل است.

به همین دلیل صنایع دستی نقشی

استراتژیک در صیانت از هویت

فرهنگی ایفا می‌کنند. محصولات

فرهنگی با خصلت‌های بومی و سنتی

هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند و قوه

خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث

فرهنگی افزایش می‌دهند.

از منظر توسعه همه‌جانبه، روند ملی‌سازی و هویت ملی یعنی

تشکیل یک ملت با سرزمین، نظام حکومتی خاص

خود و برخی ویژگی‌های دیگر که اصطلاحاً «دولت

ملی» نامیده می‌شود و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار

است. خوشبختانه صنایع دستی در طول سه دهه اخیر

به‌خوبی توانسته با تغییراتی که در مضامین و مفاهیم

دورنی خود ایجاد نموده به بازنمایی هویت ملی براساس

مفاهیم مذهبی و دینی بپردازد؛ یعنی تبیین تحولات معنوی،

فکری و اجتماعی و تحولات ناشی از انقلاب اسلامی ایران از طریق

پی‌گیری و توجه به تغییرات در فرم و ساختار برخی از صنایع دستی

(مانند تابلو فرش کربلا و دیگر تصاویر ملهم از فرهنگ دینی و انقلابی

در صنایع دستی بعد از انقلاب).

معنای توسعه فرهنگی

تا مدت‌ها توسعه مقوله‌ای صرفاً اقتصادی تلقی می‌شد اما به تدریج

نگاه یک سویه به توسعه و تأکید بیش از حد بر مسائل اقتصادی،

باعث بروز مشکلاتی در عرصه‌های اجتماعی و زیست محیطی برای

کشورهای پیشرفته شد. این مشکلات از آنجا نشئت می‌گرفت که نقش

کلیدی فرهنگ در قوام جامعه مورد غفلت قرار گرفته بود. می‌توان گفت فرهنگ به عنوان گنجینه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری - که باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ به‌وجود آورده است - نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می‌کند.

توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ

شده باشد، «توسعه فرهنگی» نامیده

می‌شود. بستر مناسب توسعه از مسیر

تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها به‌دست

می‌آید. از این رو در روند توسعه

ایجاد تغییر در این دو مقوله باید

در صدر برنامه‌ها قرار گیرد. البته

نباید این امر را دال بر از دست

رفتن کامل فرهنگ یک جامعه

و جایگزینی آن با فرهنگی بیگانه

قلمداد کرد. بدون تردید، طرد فرهنگ

خودی نتیجه‌ای جز از دست رفتن هویت

اجتماعی و تزلزل قوام جامعه در پی نخواهد داشت.

در ترسیم یک الگوی مناسب برای توسعه جامعه، باید

برنامه‌هایی برای تمامی ابعاد جامعه ارائه گردد. این نکته

نیز نباید فراموش شود که در این برنامه ریزی باید

شرایط حاکم در یک جامعه کاملاً در نظر گرفته شود.

به عبارت دیگر هر اندازه که یک الگوی توسعه از

جامعیت برخوردار باشد، تا زمانی که مختصات بومی آن

جامعه را مد نظر قرار نداده باشد، مثمر ثمر نخواهد بود.

قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران

نضج، دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ مدیون

گروه‌های مختلف قومی نظیر کردها، ترک‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها

و عرب‌ها بوده است، چرا که هر یک با افزودن لایه‌های هویتی -

فرهنگی به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند. کمی و کاستی‌ها و

مؤلفه‌های مثبت و منفی آن نیز تنها متأثر از یک قوم نبوده، بلکه در

تعامل همه گروه‌های قومی با شدت و ضعف‌های مختلف شکل گرفته

است.

صنایع دستی معرف فرهنگ خاص هر منطقه است بنابراین باید برای

گسترش و معرفی آن تلاش شود. محصولات فرهنگی که این اقوام

در اشکال مختلف و در اکثر قریب به اتفاق موارد در قالب صنایع دستی

تولید نموده‌اند در غنی‌سازی لایه‌های فرهنگی این سرزمین نقشی غیر قابل انکار دارد.

تبادلات فرهنگی و بسط مناسبات اجتماعی توانسته هویت فرهنگی

مردم ایران را به شکلی یگانه، واحد و فراقومی - در حد و اندازه یک

ملت کهن دیرپا - در آورد.

هویت ایرانی و هویت اقوام این سرزمین به صورت مجزا و منفک از

همدیگر تعریف نمی‌شوند بلکه شناسه‌ها و عوامل مختلف این دو را به هم

پیوند داده، به صورتی که تفکیک آنها مشکل و یا غیرممکن شده است.

هویت ایرانی بر سه پایه مهم استوار است:

۱- دین، مذهب و اعتقادات مذهبی

۲- میراث سیاسی

۳- میراث فرهنگی.

صنایع دستی امروزه در بعد میراث فرهنگی ظاهر شده و همواره در

تقویت و صیانت هویت ایرانی نقش داشته و دارد.

صنایع دستی و میراث فرهنگی

میراث فرهنگی از سه بخش تشکیل شده است:

الف) آیین‌ها و آداب و رسوم: نظیر نوروز، سیزده بدر، چهارشنبه‌سوری،

چشم مهرگان و در دوره جدیدتر آیین مبین اسلام.

ب) میراث مکتوب: اگرچه برخی اقوام ایرانی مانند آذری‌ها، کردها و

عرب‌ها دارای زبان خاص خود هستند، اما همواره زبان فارسی زبان

ملی این اقوام نیز بوده است. بسیاری از شعرا و نویسندگان آنها به زبان

فارسی آثار ماندگاری به جای گذاشته‌اند. میراث مکتوب فارسی میراث

صاحبان هنر تمام اقوام این سرزمین است و فقط مخصوص فارسی

زبانان نبوده و نیست.

ج) محصولات فرهنگی: شامل جلوه‌های مختلف از محصولاتی است

که در گذشته به شکل عمده در قالب یکی از صنایع دستی ایرانیان

به‌وجود می‌آمد و امروزه نیز کم و بیش به‌عنوان محصولات صنایع

دستی تولید می‌شود.

نتیجه‌گیری

میراث سیاسی ایرانی قدمتی چند هزار ساله دارد. همه اقوام ایرانی مانند

کردها، بلوچ‌ها و... همگی ایرانی‌اند. کشور ما از معدود کشورهایی است

که تنوع و کیفیت مطلوب صنایع و هنرهای سنتی آن نظر کارشناسان

و گردشگران را به خود جلب کرده است. فراوانی محصولات سنتی و

صنایع دستی نکته‌ای است که برنامه ریزان و کارشناسان فرهنگی باید

به‌عنوان امتیازی مهم برای کشورمان در نظر بگیرند. محصولات تولید

شده در بخش صنایع دستی را امروزه باید به‌عنوان محصولات فرهنگی

استراتژیک با کاربرد هویت‌ساز بازشناسایی کرد و در بحث توسعه

فرهنگی به حمایت و گسترش آن توجه نمود.